

ازسراجبار اما تاثیرگذار!

تأثیر مهاجرت نیروی کار بر وضعیت اقتصادی کشورهای مبدأ و وضعیت کارگران چیست؟



گزارش

«مهاجرت» با هدف

دستیابی به فرصت‌های

جدید و شرایط زندگی

بهتر، موضوع تازه‌ای در تاریخ بشر

نیست، اما هیچ‌گاه میزان آن به اندازه

امروز رو به افزایش نبوده است. یکی

از نتایج آشکار تقسیم کار بین‌المللی

و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی

و اجتماعی نادرست کشورها در

زمینه توسعه، از میان رفتن صنایع

تولیدی و افزایش میزان بیکاری در

این جوامع بوده است. ثروتمندان،

سرمایه‌های زیادی در اختیار دارند،

اما تنها سرمایه نیروی کار، توان

کار کردن‌شان است. در چنین

شرایطی، مهاجرت نیروی کار در

جست‌وجوی کار و درآمد بهتر، نه

یک انتخاب خودخواسته، بلکه تنها

گزینه افراد برای بهبود وضعیت خود

و خانواده‌های‌شان است.

برآوردها نشان می‌دهد، در حال

حاضر، حدود ۲۶۶ میلیون نفر در

کشورهایی غیر از محل تولدشان

زندگی می‌کنند و جست‌وجوی کار

در خارج از مرزها نیز در حال افزایش

است. با انقباض هر چه بیشتر منابع

کشورها در اثر بحران‌های اقتصادی

و تبدیل بیکاری به مسئله هر روزه

تمامی کشورها، موضوع مهاجرت و

جابه‌جایی جغرافیایی نیروی کار در

سطح بین‌المللی، حساسیت‌های

بسیار جدی را در فضای عمومی

کشورها بر سر پذیرش یا نفی آن،

برانگیخته است.

در نتیجه همین حساسیت‌هاست که

امروزه بحث بر سر «مهاجرت نیروی کار» و تبعات آن، بسیار جدی‌تر از قبل دنبال می‌شود و مطالعات بسیار زیادی در مورد پیامدهای «مهاجرت نیروی کار» بر اقتصادهای کشورهای «مهاجرپذیر» و «مهاجرفرست» انجام شده است. اما به‌راستی «مهاجرت نیروی کار» چه تأثیری در شکل‌دادن به وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای مهاجرفرست دارد؟

پدیده «مهاجرت»، بیش از هر عامل دیگری، تحت تأثیر فقدان فرصت‌های اقتصادی مناسب در کشورهای مبدأ شکل می‌گیرد. با در نظر گرفتن این واقعیت که میانگین درآمد افراد در کشورهای ثروتمند، حدود ۷۰ برابر کشورهای کم‌درآمد است، شگفت‌آور نیست که بسیاری از افراد در کشورهای در حال توسعه، ترجیح می‌دهند بخت خود را در جای دیگری بیازمایند. همچنین این روند با تغییرات جمعیتی جدید هم‌خوانی پیدا کرده است: کشورهایی که دارای سطوح درآمدی بالاتری هستند، با مسئله «پیرشدن جمعیت» مواجه هستند و در مقابل، در کشورهای کم‌درآمد نیز تعداد قابل ملاحظه‌ای از جمعیت در سنین کار و فعالیت اقتصادی قرار دارند. تغییرات تکنولوژیکی نیز باعث ایجاد اختلال در بازار کار شده است (از بیکاری فزاینده کارگران در نتیجه خودکارسختن فرایند تولید گرفته تا معضلات و مناقشات نوینی

که در نتیجه رواج نرم‌افزارهایی چون «اسنپ» و «اوبر»، هر روزه، از ایران تا فرانسه، میان رانندگان حرفه‌ای صنعت حمل‌ونقل و دیگر افراد عادی که در اوقات فراغت‌شان در این صنعت کار می‌کنند پیش می‌آید). مهم‌تر از همه، براساس گزارش جدید بانک جهانی، «تغییرات اقلیمی» باعث خواهد شد تا در دهه‌های آینده، حدود ۱۴۰ میلیون نفر، محل زندگی خود را ترک کنند.

اما بر خلاف باورهای عام، مقصد بیش از نیمی از افرادی که از کشورهای در حال توسعه مهاجرت می‌کنند، کشورهای توسعه‌یافته نیست. مهاجرت این افراد، بیشتر به مقصد کشورهای در حال توسعه دیگری که در همسایگی‌شان قرار دارد، صورت می‌گیرد. از این رو، مهاجران سهم قابل توجهی در افزایش میزان رشد اقتصادی کشورهای مقصد ایفا می‌کنند؛ حدود ۲۶۶ میلیون نفر مهاجر در سطح جهان وجود دارند که تنها حدود ۳۷/۴ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما سهم‌شان در «تولید ناخالص داخلی» (GDP) کشورها، حدود ۹ درصد تخمین زده می‌شود. البته مهاجران باید از موانع اقتصادی بسیار در کشورهای مقصد عبور کنند تا جذب بازار کار شوند.

کارگران فاقد تخصص و مهارت، به‌خصوص آن دسته از کارگرانی که از کشورهای فقیر مهاجرت کرده‌اند، بعضاً مجبور هستند برای جذب شدن

در ساختار بازار کار کشور مقصد، هزینه‌های بسیار بالایی را به‌عنوان شهریه «دوره‌های کارآموزی» بپردازند، رقمی که می‌تواند بالغ بر درآمد یک سال کارگران در کشورهای مقصد باشد.

«مهاجرت نیروی کار»، علاوه بر تأثیرات اقتصادی آشکار آن بر بالابردن رشد اقتصادی در کشورهای مقصد، می‌تواند در وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورهای مبدأ نیز موثر باشد. وجوه ارسالی مهاجران برای خانواده‌های‌شان در کشورهای مبدأ، می‌تواند در کاهش فقر در این کشورها موثر باشد. درآمد خانواده‌های مهاجران افزایش می‌یابد و در نتیجه دسترسی آن‌ها به امکانات بهداشتی و آموزشی راحت‌تر می‌شود. آمارها نشان می‌دهد، درآمد کارگران، وقتی از یک کشور کم‌درآمد به یک کشور ثروتمند مهاجرت می‌کنند، سه تا شش برابر می‌شود. در سال ۲۰۱۸، مهاجران حدود ۵۲۸ میلیارد دلار به کشورهای در حال توسعه پول ارسال کرده‌اند که رقمی به‌مراتب بیشتر از مجموع کمک‌های بین‌المللی به این کشورهاست. حدود ۸۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان به پولی که اعضای خانواده‌شان برایشان ارسال می‌کنند وابسته هستند. برای استفاده بهتر از این وجوه ارسالی، دولت‌ها باید شرایطی را فراهم آورند تا این پول‌ها در بخش‌های مولد و تولیدی اقتصاد سرمایه‌گذاری

شوند. اقتصاددانان همچنین امیدوار هستند که در صورت فراهم آوردن شرایط لازم برای مهاجرت امن و قانونی، سهم جوانان مهاجر افزایش بیابد. در حال حاضر، تنها ۳۰ درصد از مهاجران را افراد جوان تشکیل می‌دهند، این در حالی است که در بعضی از کشورهای در حال توسعه، سهم بیکاری جوانان تا ۶۰ درصد برآورد می‌شود و در غیاب توانایی دولت‌ها در ایجاد شغل برای شهروندان‌شان، مهاجرت می‌تواند مشکل بیکاری جوانان در این مناطق را تا میزان قابل توجهی رفع کند.

در مجموع، می‌توان گفت که آمارهای بسیاری نشان می‌دهد که در صورت تنظیم قراردادهای کار افراد خارجی با در نظر گرفتن قوانین کار و حقوق بشر، تسهیل شرایط جذب افراد خارجی در بازار کار و برخورداری آن‌ها از نظام تامین اجتماعی، مهاجرت نیروی کار می‌تواند به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش مشکلات نیروی کار در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شود و به کاهش فقر در این کشورها نیز کمک کند. البته از سوی دیگر، جذب و پذیرفته‌شدن حجم عظیم نیروهای کار مهاجر در کشورهای مقصد، اقتصاد و فضای سیاسی این کشورها را در معرض چالش‌های جدی و پرشماری قرار خواهد داد.

■ **نمایان: مجمع جهانی اقتصاد و بانک جهانی**

تاکنون، مهاجران به‌طور میانگین، سالانه از ۱/۹ تا ۵ میلیارد دلار آمریکا به این کشور ارز وارد کرده‌اند، مبلغی که حدوداً دو درصد در «تولید ناخالص ملی» این کشور سهم داشته است. علاوه بر این، وجوه ارسالی مهاجران توانسته دوسوم از کسری موازنه موجود در این کشور را جبران کند. همچنین از این سرمایه‌گذاری‌ها برای اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری نیز استفاده می‌شود. با حضور سه میلیون کارگر ترک در اروپا، ترک‌توانسته است بر مشکل بیکاری خود غلبه کند.

■ **نمایان: گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد**

برندگان و بازندگان مهاجرت نیروی کار

آیا مهاجرت نیروهای کار می‌تواند موجب افزایش سطح دستمزدها در کشورهای فرستنده شود؟



تأثیرات «مهاجرت نیروی کار» بر وضعیت اقتصادی کشورهای مقصد، کم‌وبیش آشکار و روشن است، اما این موضوع که وضعیت بازار کار در کشورهایی که نیروی انسانی‌شان را به‌دلیل مهاجرت از دست داده‌اند چگونه است، چندان روشن نیست. در ابتدا باید گفت که حدود ۹۵ درصد کشورهای جهان، فرستنده نیروی کار مهاجر هستند، اما نرخ مهاجرت از کشورها، معمولاً از یک تاده درصد در نوسان است. تحقیقات نشان می‌دهند، هر چه کشورها و اقتصادشان کوچک‌تر باشد، میزان مهاجرت از آن‌ها بیشتر است (البته با در نظر گرفتن موارد استثنایی مانند لوکزامبورگ و امارات متحده عربی). در نتیجه، افزایش نرخ مهاجرت - به‌ویژه در کشورهایی با اقتصاد کوچک - می‌تواند به‌طور مقطعی در وضعیت عرضه و تقاضای نیروی کار در کشورها وقعه ایجاد کند.

برای نمونه، ۱۰ میلیون نفر مهاجر مکزیکسی، تنها ۴ درصد از جمعیت ایالات متحده آمریکا را تشکیل می‌دهند، اما به‌نوبه خود، ۱۰ درصد از جمعیت کشور مکزیک را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل است که اگر ساختارهای اقتصادی دو کشور مکزیک و آمریکا با هم برابر بود، باز هم وضعیت نیروی کار در مکزیک دستخوش تغییر و تحول می‌شد، مخصوصاً که مهاجران معمولاً جزء نیروی کار متخصص و ماهر هستند. برای بررسی اینکه مهاجرت نیروی کار، چه تأثیری بر میزان دستمزد و درآمد نیروهای کار باقی‌مانده در کشورهای مبدأ دارد، بهتر است نگاهی به آمار وضعیت دستمزد در بعضی از کشورهای فرستنده نیروی کار مهاجر داشته باشیم. در یک نمونه بسیار مشهور تاریخی، در قرن نوزدهم میلادی و هم‌زمان با اینکه سطح دستمزددها در کشورهای اروپایی بسیار پایین بود، آمریکای شمالی با کمبود نیروی کار مواجه بود. در نتیجه، مهاجرت به شکل انبوه از سمت کشورهای اروپایی به سوی آمریکای شمالی اتفاق افتاد که بسیاری از اقتصاددانان، از میان رفتن شکاف دستمزدی میان این کشورها در نتیجه همین مهاجرت‌ها می‌دانند. برای نمونه، تخمین زده می‌شود اگر این روند در ایرلند اتفاق نیفتاده بود، سطح دستمزددها در این کشور بین ۲۰ تا ۴۰ درصد کمتر از امروز بود.

در مورد بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، مانند مکزیک و پورتو ریکو، که میزان مهاجرت نیروی کار در آن‌ها قابل توجه بوده، شاهد افزایش ۱۰ درصدی در سطح دستمزددها بوده‌ایم. طرفداران ایده مهاجرت نیروی کار، معتقدند که تأثیرات مثبت و کوتاه‌مدت مهاجرت بر سطح دستمزددها، در کشورهای مبدأ بیشتر از کشورهای مقصد است، چرا که توان چانه‌زنی جمعی کارگران در کشورهای مبدأ، به علت کاهش عرضه نیروی کار، افزایش پیدا می‌کند. در مجموع می‌توان گفت با کاهش تعداد و کمبود نیروهای کار، سطح دستمزددها در کشورهای فرستنده مهاجر، به‌طور میانگین و در کوتاه‌مدت افزایش پیدا می‌کند.

اما برای درک همه‌جانبه این پدیده، باید این مسئله را نیز در نظر گرفت که مهاجرت نیروی کار، هم‌زمان برندگان و بازندگان خود را می‌آفریند. مهاجران در صورتی که در بازار کار کشور مقصد جذب شوند، قطعاً بهره‌برنده خواهند بود. نیروی کار باقی‌مانده ماهر و متخصص نیز می‌تواند با چانه‌زنی، سطح دستمزد خود را بالا ببرد، اما نیروی کار با سطح مهارتی و تخصصی پایین‌تر، از این روند بهره‌ای نخواهد برد. علاوه بر این، اگر کشورهای در حال توسعه نیروی کار متخصص و ماهر خود را از دست بدهند، خطر کاهش بهره‌وری، اقتصاد این کشورها را تهدید خواهد کرد، امری که در درازمدت و در صورت عدم مدیریت درست، ممکن است موجب بروز وقفه در رشد اقتصادی کشورها شود و در نتیجه سطح دستمزددها دوباره پایین خواهد آمد، این همان اتفاقی است که در ایتالیای پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ پدید آمد.

مهاجرت گسترده نیروی کار متخصص این کشور به کشورهای اروپای شمالی، در ابتدا باعث شد سطح دستمزددها در ایتالیا افزایش یابد و خلأ نیروی کار نیز با حضور نیروی کار ارزان‌قیمت‌تر از سایر کشورهای جهان پُر شد. اما در نهایت، به‌علت کاهش بهره‌وری و قابلیت تولیدی در اقتصاد ایتالیا، سطح دستمزددها بار دیگر تنزل پیدا کرد. به همین دلیل می‌توان این طور نتیجه گرفت که تنها در صورتی که مهاجرت نیروی کار موجب به‌مخاطره افتادن بهره‌وری اقتصادی کشورها نشود، ممکن است افزایش دستمزددها در درازمدت نیز ادامه یابد.